



بررسی عملکرد مدیران آموزشی بم در زلزله سال ۱۳۸۲

مینو علی اصغری^۱، بهروز مهram^۲ و محمود سعیدی رضوانی^۳

۱. کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. mino.ramezani@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) bmahram@um.ac.ir

۳. دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران saeedy@um.ac.ir

چکیده

زمینه و هدف: ایران کشوری زلزله خیز است که در دهه‌های گذشته با بحران‌های متعددی مواجه بوده است. هدف اصلی این مطالعه، بررسی عملکرد مدیران آموزشی در مواجهه با بحران زلزله بم در سال ۲۰۰۳ بود. این پژوهش از حیث هدف در قالب مطالعات کاربردی قلمداد شده است. **روش:** این پژوهش تاریخی و مطالعه با رویکرد کیفی انجام شد. برای جمع آوری داده‌ها از منابع مختلفی شامل مدیران آموزشی، مکاتبات، گزارش‌های مندرج در کتاب‌ها و مجلات علمی استفاده شد. تمامی منابع از نوع دست اول بود و برای اطمینان از اصالت منابع، نسبت به نقد درونی مبادرت شد. برای تحلیل داده‌ها، اطلاعات جمع آوری شده در هر یک از فیش‌های ثبت اطلاعات مورد بازخوانی قرار گرفت و اطلاعات آنها کد گذاری گردید.

یافته‌ها: مدیران از آمادگی کافی در مواجهه با بحران برخوردار نبوده و عملکرد مدیران آموزشی از مطلوبیت کافی برخوردار نبوده است. مدیران آموزشی فاقد مهارت و شناخت لازم برای مواجه شدن با شرایط حین بحران و توانمند سازی معلمان و دانش آموزان بوده و فعالیت‌های پس از بحران نیز معطوف به تصمیم‌هایی فردی بوده که برخی از این تصمیم‌ها با رهنمودهای سازمان‌های بین‌المللی مغایرت دارد. **نتیجه‌گیری:** در کشوری مانند ایران که زلزله خیز است، لازم است که مواجهه با بحران در تمام ارکان سازمانی و اداری با جدیت بیشتری دنبال شده و این موضوع در سازمان رسمی آموزش و پرورش که گستره وسیعی از دانش آموزان و معلمان را دربر می‌گیرد، از اهمیت بیشتری برخوردار است. کلید واژه‌ها: مدیریت بحران، مدیران آموزشی، زلزله بم، مدرسه، ایران

◀ **استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم ۲۰۱۰):** علی‌اصغری، مینو؛ مهram، بهروز؛ سعیدی رضوانی، محمود (پاییز، ۱۳۹۸). بررسی عملکرد مدیران آموزشی بم در زلزله سال ۱۳۸۲. *فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران*، ۹ (۳)، ۳۰۷-۳۱۸.

The Study of the Performance of Bam Educational Managers in the 2003 Bam Earthquake

Minou Aliasghari¹, Behrooz Mahram² & Mahmood Saeedy Rezvani³

1. MA in Educational Administration, Faculty of Education & Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2. Associate professor, Faculty of Education & Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

3. Associate professor, Faculty of Education & Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract

Background and objectives: Iran is an earthquake-prone country that has faced numerous crises in recent decades. The main purpose of this study is to consider the performance of educational managers to confront with the 2003 Bam earthquake crisis. This paper is an applied study.

Method: This paper is a historical study with a qualitative approach. Various sources, including educational managers, photographs, correspondence, reports in books and scientific journals were used to collect the data. All references were first-hand and internal criticism was made to ensure the authenticity of the sources. To analyze the data, the collected information in each of the data logs was read and coded.

Results: Managers were not prepared enough to confront with the crisis and the performance of educational managers is not desirable. The educational managers have not enough skills and knowledge to confront with crisis situations and to prepare teachers and students in such situations, as well as decisions for the post-crisis activities made individually which were opposed to international organizations' guidelines.

Conclusion: As Iran is a prone-earthquake country, so it is necessary to consider the confronting with the crisis seriously in all organizations and administrations; and it is more important in education organization which have wide range of teachers and students.

Keywords: Crisis Management, Educational Managers, Bam Earthquake, School, Iran

► **Citation (APA 6th ed.):** Aliasghari M, Mahram B, Saeedy Rezvani M. (2019, Fall). The Study of the Performance of Bam Educational Managers in the 2003 Bam Earthquake. *Disaster Prevention and Management Knowledge Quarterly (DPMK)*, 9(3), 307-318.

مقدمه

بشر همواره در معرض حوادث و خطرات متعدد قرار دارد (پاتون^۱، ۲۰۱۶). در سال‌های اخیر میزان وقوع فجایع طبیعی افزایش یافته است و بیش از ۱۲۷ میلیون نفر در معرض این حوادث قرار دارند (پریسیلا و بریلز^۲، ۲۰۱۶). نیکویی مقدم و امیر اسماعیلی (۲۰۱۵) بیان می‌دارند که در میان بلایای طبیعی، زلزله از همه مهیب تر است و لزوم توجه به حوادث مربوط به قبل و بعد آن نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. زلزله تأثیرات بسیار زیادی بر اجتماعات انسانی می‌گذارد. بی خانمان شدن، زندگی در پناهگاه، مواجهه ی با شرایط محیطی سخت، اجتماعات انسانی نامانوس ... از آمله تأثیرات زلزله می‌باشد. از منظر موسسه BRI آمریکا (۲۰۰۷) به نقل از اجوکیشن^۳؛ (۲۰۰۷) اگر چه بلایای طبیعی دارای دو جنبه طبیعی و اجتماعی است؛ ولی تاکنون تمرکز بیشتر بر جنبه طبیعی آن بوده و نمودهای اجتماعی بحران‌های ناشی از بلایای طبیعی تا حدودی مورد غفلت واقع شده اند. بحران‌های طبیعی بسیاری از مشکلات گمگشتگی در زندگی، آسیب‌های شخصی و روانی را ایجاد می‌کنند. اسپلینگز^۴ (۲۰۰۳) ارائه یک تعریف از بحران را بسته به نوع حادثه و نوع افراد درگیر آن بسیار متغیر دانسته و برنامه‌های مدیریت بحران را نیز متنوع و بسته به وقایع و رویدادهای خاص دانسته است. به گونه ای که ادعا می‌کند برای مواجهه ی با بحران ناشی از سیل، طوفان و زلزله برنامه هایی کاملاً متفاوت را در مقایسه با بحران ناشی از تیر اندازی در مدارس پیش بینی می‌نمایند. پریسیلیا و بریلز (۲۰۱۶) نیز، تدوین یک سیستم مدیریت بحران را منوط به مسایل فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی می‌دانند با این وصف شاید بتوان تعریف زیر را به عنوان تعریفی نسبتاً جامع از مدیریت بحران مورد پذیرش قرار داد.

مدیریت بحران، نظامی منسجم است که با بهره‌گیری از علوم، تکنولوژی، برنامه‌ریزی و مدیریت و با هدف مقابله با حوادثی که منجر به کشته شدن تعداد زیادی از انسان‌ها، تخریب و آسیب رسیدگی کلی به اموال و املاک مردم، مختل شدن و برهم خوردن

زندگی اجتماعی آن‌ها می‌گردد، طراحی گردیده است. (الیوت و چارلی بیوس^۵؛ ۲۰۰۷، ص ۳۱۹، مارویتز و همکاران^۶؛ ۲۰۰۷، ص ۹۲)

آمادگی در برابر زلزله کاملاً ضروری است. کشورهای حادثه‌خیز برای مواجهه با شرایط بحران، تلاش می‌کنند که اطلاعاتی را جمع‌آوری نموده و از طریق این اطلاعات، به دیدگاهی جامع درباره‌ی مسائل دست یابند. آنها به دنبال آن هستند که مشخص نمایند در چه وضعیتی قرار دارند، نقاط ضعف و قوت آنها چیست و چقدر تا حد مطلوب فاصله دارند. هنگامی که یک فاجعه رخ می‌دهد، جامعه دچار بحران می‌گردد. بحران‌ها انواع متعددی دارند و اینکه فاجعه در چه موقعیتی رخ داده باشد، نیازهای مدیریتی متفاوتی را طلب می‌کند.

اسپلینگز (۲۰۰۳) پروسه مدیریت بحران را به سه مرحله تقسیم می‌کنند:

۱. پیشگیری و آمادگی در برابر بحران: شامل تهیه و تنظیم برنامه‌هایی که افراد درگیر در حادثه، به سرعت و به طور مؤثر در زمان بروز بحران، به عکس‌العمل مناسب مبادرت نمایند. در این مرحله، مسایلی از قبیل سیاستگذاری‌های صحیح برای کلیه امور مربوط به مدیریت بحران و پیش‌بینی امکانات، تأمین منابع متناسب با بحران و نظارت بر استانداردهای آماده‌سازی، بدون وجود یک اداره یا مرکز مدیریت بحران مد نظر قرار می‌گیرد.

۲. مواجهه و پاسخگویی به بحران: در این مرحله تلاش میشود که تلفات به حداقل رسیده، سختی‌ها برطرف و شرایط عادی زندگی و نظام جاری تا حدی بازگردانده شود.

۳. بازسازی و بهبود شرایط بعد از بحران: که در این مرحله شامل کلیه اقداماتی است که پس از وقوع بحران و به منظور برقراری شرایط و وضعیت عادی زندگی به شهرها و یا روستاها اجرا می‌شود.

زلزله نیز یکی از فجایع طبیعی است که به طور متداول در جهان رخ می‌دهد و علاوه بر تأثیرات مخربی که بر اجتماعات انسانی می‌گذارد، می‌تواند آسیب‌های جدی را نیز به زیر ساخت‌های جامعه

1. Paton, 2016
 2. Prisilla & Brails, 2016
 3. Building Research Institute, 2007
 4. Education, 2007
 5. Spellings, 2003

6. Elliot & Charlebois, 2007
 7. Marwitz & etal, 2008

کشورهای صنعتی باشند و چه در کشورهای غیر صنعتی، در مواجهه با بحران دچار یک وقفه بزرگ در روند عادی زندگیشان می‌شوند. اگر چه مسلماً آسیب‌ها با توجه به عواملی از قبیل نژاد، جنسیت و محیط زندگی شدت و ضعف‌هایی دارد، مثلاً دخترها ممکن است بعد از بحران مورد سوء استفاده‌های جنسی بیشتری قرار گیرند و فقیرترها معمولاً از بحران آسیب جدی‌تری می‌خورند، یا اختلاف زبانی میان مسئولین و بحران زده‌ها همیشه یک چالش اساسی است اما تغییر محل سکونت، روابط خانوادگی، تحصیل، دسترسی به مراکز درمانی، روند عادی سلامت و روابط دوستانه کودکان و نوجوانان آسیب دیده یک چالش همه گیر است. آنها ممکن است پس از بحران از محافظین خود (اعم از والدین یا قیمین) جدا شوند و این باعث ایجاد احساس عدم امنیت در آنها می‌شود. بر این مبنا پژوهشگران انسانی عرصه مدیریت بحران (شبکه فراگیر آموزش و پرورش در شرایط اضطرار^۴، ۲۰۱۲) بیان می‌دارند که معلمین، دستیاران آموزشی، مربی کودک، مدرسین معلولین، افراد دینی مانند روحانیون و مسئولین آموزشی مانند مدیران مدارس در بهبود شرایط کودکان و نوجوانان بعد از بحران تاثیر به سزایی دارند.

در سال‌های اخیر به راهکارهای مداخله در بحران توجه بیشتری شده است و به ویژه در زمینه بهسازی شرایط کودکان و بزرگسالان بعد از بحران اقدامات و مطالعات علمی زیادی انجام شده است (ناکانیشی و بلک^۵، ۲۰۱۶). در این میان ژاپن از جمله کشورهایی است که در سال ۲۰۱۲ یک مدل آموزشی برای ارتقاء سطح مدیریت بحران ارائه می‌کند. یکی از نکات مهم این مدل اشاره به استفاده از تجربیات زلزله کوبه در محتوای آموزشی مدارس است همچنین قرار دادن آموزش‌های ویژه معلمین در دستور کاری این مدل می‌باشد. در مطالعه دیگری که توسط کاکاوا در سال ۲۰۱۵ در کشورهای نظیر بنگلادش، پاکستان، اندونزی و کلمبیا صورت گرفت، مشخص گردید در هر چهار کشور برنامه‌هایی برای مقابله با بحران به صورت متناوب انجام شده است؛ مثلاً در پاکستان تا سال ۲۰۱۴ مجمع کتب درسی (NCTB) مسایل مربوط به بحران را در قالب کتب درسی گنجانده است یا در بنگلادش تا سال ششم ابتدایی مسایلی مانند تعریف فاجعه، دسته بندی فجایع و برنامه‌های

وارد نماید (پونیز و ان تالا^۱، ۲۰۱۶). شاید به همین دلیل است که نیکویی مقدم و همکاران (۲۰۱۵) در میان بلایای طبیعی زلزله را از همه فجیع تر می‌دانند.

بر اساس ادعای موسسه آمریکا (۲۰۰۷) آموزش افراد قبل و بعد از بحران مهم ترین مولفه در مواجهه ی با شرایط بحرانی محسوب می‌شود. بر این اساس است که می‌توان آموزش را اصلی ترین موضوع در برخورد اجتماعی با بحران بر شمرده و از تجارب کشورهایی نظیر برزیل، ژاپن، فرانسه و اسپانیا در زمینه پیشگام بودن در امر آموزش مسایل پیرامون آن نام برد. بتی (۲۰۱۴) نیز تصریح می‌نماید که برنامه درست و منسجم آموزشی در مدیریت بحران خطرات را به شدت کاهش داده؛ اما این مسیر را سرشار از مخاطراتی می‌داند که می‌تواند آسیب‌های ناشی از بحران را افزایش دهد. وی نبود برنامه ای منسجم و نبود نیروی انسانی کارآمد، نداشتن اطلاعات صحیح و آموزش‌های مرتبط را از جمله این مخاطرات می‌داند.

در ارزیابی جامعی که توسط محققین صورت گرفته است در زمان وقوع بحران باید نیازهای اقشار مختلف در نظر گرفته شود و نیز از تمامی فعالان اجتماعی استفاده شود تا خطرات بحران به حداقل ممکن برسد (یونیسف ۲۰۱۰). بعد از بحران نیز و بازسازی جامعه بحران زده گستره ی بالایی دارد و رویکردهای تاثیر گذار بسیاری را می‌طلبد و در این روند گروه‌های مختلف و ارگان‌های متعددی درگیر خواهند بود (تایاپاران و دیگران^۲، ۲۰۱۵). از جمله گروه‌های درگیر در مسایل قبل و بعد بحران معلمین و مسئولین نظام‌های آموزشی هستند که باید آموزش‌های لازم را برای مواجهه ی با این شرایط دیده باشند تا در زمان بحران به درستی نقش خود را ایفا کنند. (یونیسف ۲۰۱۰).

محققین موسسه BRI (۲۰۰۷) مدرسه را یکی از ارکان مهم در مداخلات قبل و بعد از بحران می‌دانند و (فورترگیل^۳، ۲۰۱۶) به این نکته مهم می‌پردازد که کودکان و نوجوانان به شدت تحت تاثیر فجایع قرار می‌گیرند. به گونه ای که آنها قبل و بعد از حادثه با خطرات بسیاری مواجه می‌شوند. کودکان و نوجوانان چه در

4. Inter-agency Network for Education in Emergencies: INEE, 2012
5. Nakanishi & Black, 2016

1. Ponis & Ntalla, 2016
2. Thayaparan & etal, 2015
3. Forthergill, 2016

مربوط به هر فاجعه در کتاب علوم اجتماعی آموزش داده می‌شود. نور بالا، عنبری و محمد (۱۳۸۵، صص ۴۴-۳۷) بیان می‌دارند که براساس آمارهای منتشر شده توسط سازمان جهانی حوادث در سال ۲۰۰۳، ایران در جایگاه هفتم حادثه خیزی قرار دارد، لیکن این رده بندی بعد از زلزله بم و در سال ۲۰۰۴ تا رتبه ی نخست تغییر یافت. ایران علاوه بر زلزله ۲۰۰۳ بم، زلزله‌های متعدد دیگری نظیر زلزله سال ۱۹۷۸ طبس، زلزله سال ۱۹۹۰ رودبار و منجیل و زلزله سال ۱۹۹۷ اردکول بیرجند... را تجربه نموده است؛ اما زلزله سال ۲۰۰۳ بم یکی از بزرگترین فجایع طبیعی و انسانی این کشور از حیث تعداد کشته شدگان و خسارات مالی و فجایع انسانی رخ داده برای بازماندگان بعد از حادثه بوده است. در این میان، مطالعات نیکویی مقدم و همکاران (۲۰۱۵) مبین این واقعیت است که مهم ترین مشکل در زلزله بم، نداشتن برنامه ای منسجم برای مواجهه ی با بحران در تمامی ارگان‌ها بوده است؛ اما مشاهدات مهم (۱۳۸۲) به عنوان یک ناظر از نظام آموزشی به طور اختصاصی بیانگر عملکرد آموزش و پرورش بم بعد از زلزله است. وی بیان می‌دارد که "علیرغم گذشت پنجاه روز از زلزله ی بم و سپری شدن پانزده روز از بازگشایی مدارس، کلاسها در چادرهایی با حداقل امکانات تشکیل شده و بسیاری از معلمان در محل کار خود حضور نداشتند. معلمان و مدیران با مشکلات و بحران های عاطفی مواجه بوده و قادر به اداره امور مدارس نبوده اند. در چنین شرایطی، مردم برای حل بسیاری از مشکلات خود به آنان مراجعه نموده و انتظار داشتند که مدیران و معلمان به عنوان اقشار فرهنگی، راهکارهایی مناسب را به آنها ارائه نمایند." و یا سعیدی رضوانی (۱۳۸۲) با استفاده از عبارت "سردرگمی جدی وزارت آموزش و پرورش در زلزله ۲۶ دسامبر سال ۲۰۰۳ بم" ضمن تشریح آنچه که مشاهده نموده و بیان می‌کند که "آموزش و پرورش به جز بازگشایی مدارس، هیچ دستورات عمل خاصی برای آماری، مراجعه به دانش آموزان و حمایت روانی از آنها، پس از زلزله ی بم نداشته است." این در حالی است که حضور فعال آموزش و پرورش پس از چنین حوادثی، بسیار مؤثر تلقی میشود.

هدف

با عنایت به آنچه که مطرح گردید، می‌توان گفت نظام آموزش

روش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و روش مطالعه تاریخی می‌باشد. مطالعات تاریخی با تکیه بر شناسایی، ارزیابی و تفسیر متون قدیمی است. به زعم جانا پورا و رودی هیرسیچین (۲۰۱۴) در سال‌های اخیر توجه به مطالعات تاریخی افزایش یافته چرا که این مطالعات هویت افراد و جامعه را مشخص می‌کنند و مانند یک حافظه جمعی جوانب مختلف یک واقعه و نیز زندگی بشر را واکاوی می‌کنند. آنان اعتقاد دارند که آرایه یک تعریف دقیق از مطالعات تاریخی دشوار است اما به طور کلی یک پژوهش تاریخی شامل تعداد زیادی روایت تاریخی^۱ و کاوشی منظم در اسناد و مدارک و دیگر منابع است که در زمینه‌ای مرتبط با سؤال مورخ درباره گذشته، حقایق را بیان می‌نماید. قلمرو زمانی منابع مورد استفاده در این پژوهش^۲ از

1. Nakanishi & Black, 2016

۲. محققین در سال ۲۰۰۸ برای جمع آوری اطلاعات به مدت ۱۰ روز به تهران مراجعه نموده و با مراجعه به مراکز از قبیل پژوهشگاه زلزله‌شناسی تهران، سازمان امداد و نجات کشور، سازمان هلال احمر تهران، مؤسسه آموزش عالی علمی - کاربردی هلال ایران و سازمان هلال احمر مشهد همچنین مرکز لرزه‌نگاری مشهد اقدام به تهیه یک فهرست راهنما نموده سپس به مدت ۱۲ روز در استان کرمان شهرستان‌های بم، زرنده و کرمان حضور یافته و با مراجعه به آموزش و پرورش بم، کرمان و زرنده، مرکز مشاوره آموزش و پرورش کرمان و بم، سازمان بهزیستی بم، فرمانداری بم، هلال احمر بم و... اطلاعات لازم را کسب نمودند. لازم به ذکر است در مدت حضور در بم با استقرار در یک مدرسه شبانه روزی (راهنمائی و متوسطه) به نام فردوسی، هر شب جلساتی با دانش آموزان مدرسه برگزار و خاطرات آنها مورد بررسی و ثبت قرار می‌گرفت.



شامل آرشيو خبرگزاری‌های معتبر، روزنامه‌های محلی، هفته نامه ها، مرکز مشاوره آموزش و پرورش، فرمانداری، آرشيو هلال احمر بم و سازمان امداد و نجات شهرداری، پژوهشگاه زلزله شناسی تهران، مرکز مدیریت بحران تهران و آرشيو مدیریت بحران شهرداری مشهد می‌باشند.

در این پژوهش از مصاحبه نیمه ساختارمند برای جمع آوری اطلاعات استفاده گردید. همچنین، سیاهه^۲ (چک لیستی) برای کدگذاری مؤلفه های مورد بررسی درحین بررسی اسناد و مدارک، آئین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها، مکاتبات درون سازمانی و برون سازمانی مدیران آموزشی، عکسها، پوسترها و بروشورهای مرتبط با تاثیرات زلزله بر آموزش و پرورش، مورد استفاده قرار گرفت که در قالب فرآیند کدگذاری، محتوای هر یک از آنها در خانه یا خانه هایی از جدول قرار می‌گرفت. برای تحلیل داده‌ها، ابتدا برگه یادداشت یا فیش هایی تهیه شد. پس از استخراج کامل منابع مورد اشاره و فیش برداری از آنها، فیشها مورد بازبینی قرار گرفته و سپس در دسته‌های جزئی تری مانند فیشهای مصاحبه، عکس، نشریات، کتب، خبرگزاری‌ها، مجلات علمی - پژوهشی و مجلات علمی ترویجی دسته بندی شدند. در این مرحله علاوه بر جرح و تعدیل فیش‌های تکراری، تلاش شد تا دسته بندی انجام شده بر اساس سه شاکله اصلی پژوهش تاریخی انجام گردد. این سه شاکله شامل علت یابی حادثه در پژوهش تاریخی، متن اصلی حادثه و پیامدهای ناشی از حادثه بودند. فیش‌های مرتبط با هر مقوله علاوه بر دسته بندی بر اساس سه محور ذکر شده، به تفکیک نوع منابع، کدگذاری گردید. همچنین در این فیش‌ها، به مدیران مصاحبه شده بر حسب سطوح مدیریتی آنها، کد تخصیص داده شد و پس از تکمیل این فرآیند برای هر سؤال، چارتهی تهیه و بر اساس آن نگارش به شیوه دوباره نویسی^۳ انجام شد.

برای اعتبار بخشی به فرآیند کد گذاری، بخشی از فیش‌ها [دویست فیش] در دو نسخه تهیه و در اختیار داور دوم قرار گرفت. پس از کدگذاری این فیش‌ها توسط داور دوم، میزان همسویی میان دو کدگذار برابر با ۰/۸۵ (۱۷۰ مورد از دویست فیش) مشاهده گردید. همچنین در راستای کفایت اجماعی در یک جمع ۳۰ نفری

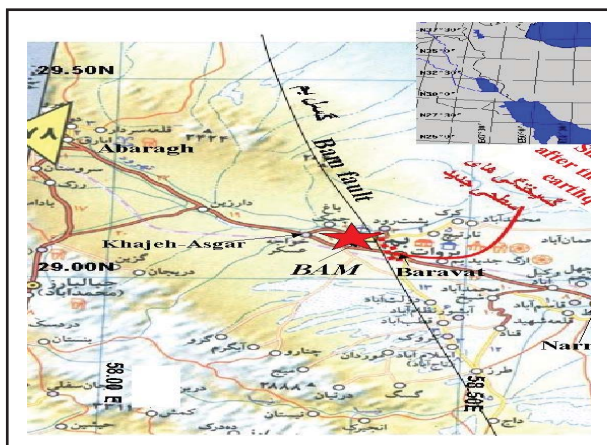
زمان وقوع زلزله تا یک سال پس از حادثه [از مورخه ۲۶/۱۲/۲۰۰۳ لغایت ۲۶/۱۲/۲۰۰۴] بوده است. این منابع شامل مدیران، اسناد و مدارک، آئین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها، مکاتبات درون سازمانی و برون سازمانی مدیران آموزشی، عکسها، پوسترها و بروشورها، روزنامه‌ها و کتاب‌های مرتبط بود. منابع به صورت دست اول بوده و نمونه گیری آنها به شیوه هدفمند^۱ و بر اساس قضاوت پژوهشگر صورت پذیرفت. ملاک‌های انتخاب نمونه مدیران بر حسب حضور مدیران در زمان بروز زلزله در بم و ارتباط مستمر و موثر با ستادهای بحران بوده است. بر این اساس، از تعداد ۱۵۴ مدیر مرتبط با بحران تعداد ۲۴ نفر از مدیران عالی، ستادی مورد مصاحبه قرار گرفتند. این مصاحبه‌ها پس از ۱۵ نفر به تواتر و خودبسندهی رسید، اما برای کسب اطمینان بیشتر، مصاحبه‌ها تا بیست و چهار نفر تداوم یافت. اشباع نظری و اتقان از یافته های جمع آوری شده، مهمترین دلیل کفایت حجم نمونه در چنین مطالعاتی است (محمدی، ۲۰۰۸:ص ۷۲). در زمینه سایر منابع نیز، توجه به مواردی از قبیل ارتباط محتوایی با موضوع پژوهش، قابل استناد بودن و توجه به زمان منابع، مورد اهمیت قرارگرفت. بر این مبنا ابتدا از طریق جمع آوری اطلاعاتی از مسئولین سازمانهای ذیربط در زلزله، فهرست مدیرانی که در یکی از سالهای تحصیلی ۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ و یا ۲۰۰۵ - ۲۰۰۴ به مدیریت در سطوح مختلف نظام آموزش و پرورش بم و کرمان اشتغال داشته و نیز نقش فعال و مستقیمی در مدیریت بحران ایفا نموده اند، تهیه و سپس به مصاحبه با آنها اقدام گردید. همچنین در زمینه سایر منابع اطلاعاتی نیز، ابتدا فهرستی راهنما از مراکزی که امکان در دسترس قرار دادن این اطلاعات را داشتند، تهیه و سپس کلیه مکاتبات اداری شامل گزارشها، نامه‌ها، صورت جلسه‌ها، آئین نامه‌ها و بخش‌نامه‌های آموزشی و همچنین خاطرات انتشار یافته در کتب، دست نوشته های دانش آموزان وعکس‌هایی را که دارای ارتباط بیشتری با موضوع تاثیر زلزله بر محیط آموزشی بوده و در مدت یک سال بعد از حادثه ثبت شده بودند، جمع آوری گردید. در انتخاب اندیکاتورها، عکسها، فیلمها، روزنامه‌ها، اخبار درج شده در خبرگزاری‌ها، کتاب‌ها و دست نوشته‌ها نیز، کلیه اطلاعات از آرشيوهای مختلف در شهرستان کرمان و بم اخذ گردید. این آرشيوها

2. Check List
3. Re Doubling

1. Purposive Sampling

بر غلبه شدن از طریق روشهای معمول نیستند. بحران معمولا با تغییرات ناگهانی همراه بوده، استرسهای بسیاری را ایجاد نموده و به واکنش زود هنگام نیاز دارد. بدیهی است که برای واکنشهای سریع و مناسب در سه مرحله قبل، حین و بعد از بحران، برنامه و یا الگویی برای مدیریت بحران مورد نیاز است. بر این اساس عملکرد مدیران آموزشی در بحران زلزله بم، در سه محور قبل از بحران، حین بحران (دو هفته نخست بحران) و پس از بحران مورد بررسی قرار گرفته است:

الف) آمادگی قبل از بحران: ایران به عنوان یکی از زلزله خیزترین کشورهای دنیا قلمداد می شود و با نگاهی گذرا در تاریخ آن، می توان زلزله هایی بزرگ مانند زلزله رودبار و منجیل، اردکول قائنات، طبس و گناباد را به عنوان مرگبارترین زلزله های این کشور در دهه های اخیر نام برد. شهر بم نیز همانند بسیاری از شهرهای ایران بر روی گسلها قرار داشته (شکل ۱) و انتظار می رفت که آمادگی مدیران سازمانها و نهادهای مختلف و از جمله آموزش و پرورش برای مواجهه با بحران در مقایسه با دیگر موارد بیشتر باشد.



شکل ۱: موقعیت بم به لحاظ زمین شناسی

در بررسی های به عمل آمده توسط گروه های زلزله شناسی و پژوهشگاه زلزله شناسی ایران، اتفاق نظری کلی برای فعالیت نسبی این گسل وجود داشته و تحرکات جدی زمین شناسی و نمود آن از مدتها قبل و در محدوده ی نزدیک به ارگ، گزارش شده است. این در حالی است که در کتاب درسی آمادگی دفاعی مقطع راهنمایی نقشه ای به دانش آموزان ارائه شده بود که گسل بم را کم خطر معرفی نموده و نتوانسته است که تمامی زوایای زمین شناسی را برای

از متخصصین علوم تربیتی، مدیریت و علوم اجتماعی مطرح و هم سویی مشاهده شده ۹۵ / ۰ مشاهده گردید. برای اطمینان از اصالت منابع و در راستای بررسی نقد بیرونی، تلاش شد تا از منابع مکتوب و شماره دار ثبت شده در سازمانهای رسمی استفاده شود. همچنین از بررسی نمودار گردش کار و سوابق موجود در سازمان آموزش و پرورش که امکان مقایسه شماره مستندات را با دفاتر ثبت فراهم آورده و موثق بودن مکاتبات اداری را نشان می دهد، استفاده شد است. برای بررسی اعتبار درونی منابع که به صحت ادعاها و گفتار و محتویات موارد مکتوب اشاره دارد، از شیوه هایی متنوع استفاده گردید. بر این اساس برای بررسی صحت گفتار مدیران و دیگر افراد مصاحبه شونده، جایگاه و نیز دیدگاه های اعتقادی، سیاسی و موقعیت اجتماعی مدیران برای پرهیز از هر نوع سوگیری مورد بررسی قرار گرفت. همچنین گفته های آنها با سایر مستندات اعم از عکسها، نامه ها و گزارشها مورد بررسی قرار گرفت. این فرآیند در قالب کدگذاری درون جداول تلخیص داده ها انجام شد. همسویی مشاهده شده میان تمامی مکاتبات سازمانی (اداری) جمع آوری شده با سایر منابع، دلالتی بر صحت مطالب درج شده و در راستای تضمین اعتبار درونی منابع قلمداد گردید. برای نقد درونی مطالب درج شده در روزنامه ها، هفته نامه و مجلات و کتابها و اعتماد نسبت به صحت مطالب آنها نیز تلاش شد تا در خصوص ناشرین این منابع از نهاد دولتی رسمی نظارت بر چاپ و نشر کتاب و نشریات، استعلام شود که سابقه تخلف و یا تحریفی از سوی این ناشرین و نویسندگان مشاهده نشد. برای بررسی اعتبار عکسها، کلیه عکسهای جمع آوری شده در اختیار یک متخصص عکاسی قرار گرفته که از طریق نرم افزار فتوشاپ، عکسها بزرگنمایی و پس از بررسی یکسان بودن پیکسلها در تمامی عکسها، صحت آنها مورد تأیید قرار گرفت.

یافته ها

محققین دپارتمان آموزشی ایالات متحده آمریکا (۲۰۰۷) تعاریف متنوعی را از بحران ارائه داده و بحران را وابسته به نوع حادثه و نوع افرادی که درگیر حادثه هستند، متفاوت می دانند. بحران وضعیتی است که یک شخص، گروه و یا سازمان با آن روبه رو شده و قادر

مدیر آموزشی دیگری که در حدود ۵۰ سال سن و در حدود بیست سال سابقه کار در آموزش و پرورش را دارد و در زمان حادثه یکی از مدیران عالی آموزش و پرورش استان کرمان بوده، می‌گوید:

"من به عنوان یک مدیر رده بالای آموزش و پرورش، هیچ دوره‌ی مدیریت بحرانی را نگذرانده بودم و جسته گریخته مطالعاتی در این زمینه داشتم"

با توجه به عدم برخورداری مدیران آموزشی بم از آموزش‌های لازم و کافی جهت مقابله با بحران می‌توان چنین استنباط نمود که، برنامه‌ریزی مدنی برای مقابله با این بحران از سوی مدیران سطوح مختلف آموزشی کرمان و بم وجود نداشته است که اگر چنین برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌هایی محقق می‌گردید، مسلماً مدیران آموزشی بم توانمندی و آمادگی‌های لازم برای مواجهه با بحران به وجود آمده را داشتند.

ب) مرحله حین بحران: در پژوهش حاضر، از زمان وقوع زلزله تا دو هفته پس از آن به عنوان مرحله حین بحران در نظر گرفته شده است. اقدام‌های بعد از وقوع حادثه، باید به گونه‌ای کم هزینه و با سرعت بالا و روش‌هایی دقیق باشند (تایپاران و دیگران، ۲۰۱۵). الیوت و چارلی بویس (۲۰۰۷) نیز موفقیت در بحران‌ها را منوط به طراحی درست، ارزیابی دقیق و عکس‌العمل سریع می‌دانند. به زعم ناطقی الهی (۱۳۷۹) در این مرحله باید تلاش شود که تلفات به حداقل رسیده، سختی‌ها برطرف شده و شرایط عادی زندگی برقرار شود. این در شرایطی است که شواهدی بر عدم موفقیت در این مرحله از بحران دلالت می‌نمایند.

در حالی که مصاحبه با کارشناسان امداد و نجات بیانگر آن بوده که عملکرد سازمان‌های آموزشی در حین بحران برای نجات مصدومان و بازگشت به زندگی مناسب نبوده است، لیکن در راستای اعتباربخشی بیشتر به این مدعا به پژوهش «مدیریت آوارهای ساختمانی» که توسط عشقی (۱۳۸۲) انجام شده است، اشاره می‌شود که وی به عنوان عضوی از مؤسسه بین‌المللی زلزله‌شناسی، زمان استاندارد برای آواربرداری با لودر را برحسب نوع سازه تفکیک و رعایت ۷۰ تا ۱۲۰ ساعت را جهت آواربرداری، الزامی اعلام می‌نماید. حال آنکه بیست و نه ساعت بعد از حادثه

احتمال بحران زلزله در این منطقه، مورد توجه قرار دهد^۱ (شکل ۲).



شکل ۲: نقشه موقعیت بم از لحاظ زلزله خیزی در کتاب سوم راهنمایی

بدیهی است که در چنین شرایطی، مسئولین و برنامه ریزان آموزش و پرورش از آمادگی لازم برای مواجهه با بحران و اندیشیدن پیرامون تمهیدات لازم برای مقابله با آن غفلت ورزند. غفوری آشتیانی (۱۹۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ویژه‌نامه زلزله؛ گفت و گو با یک زلزله شناس» می‌نویسد:

"در جریان زلزله‌ی بم، مدیران بحران کارایی کافی خود را از دست داده بودند. از جمله مدیران ستاد حوادث غیرمترقبه که شامل مدیران ارشد بیست و یک سازمان یا وزارت‌خانه می‌باشند. این‌ها به علت عدم آگاهی از مقوله‌های مرتبط با بحران، حضورشان صرفاً جنبه‌ی تشریفاتی در بم داشته است."

پاسخ مدیران در مصاحبه‌ها نشان داد که ۹۴٪ از آنان هیچگونه آموزشی را برای رویارویی با بحران ندیده بودند و شش درصد باقیمانده نیز صرفاً در حد یک کلاس آموزش ضمن خدمت با بحث‌های کلی مرتبط با بحران آشنا شده بودند. یک مدیر آموزشی ۴۵ ساله که در رشته مشاوره تحصیل نموده و در زمان زلزله در یکی از مجتمع‌های آموزشی چند پایه فعالیت داشته است، بیان می‌نماید که:

"من برای زلزله آموزش ندیده بودم، اگرچه آنهایی هم که آموزش دیده بودند، سردرگم بودند، در بم همه آمده بودند تا تجربه کنند، به همین دلیل همه نوع سلیقه‌ای اعمال می‌گردید."

۱. توضیح آنکه نقشه مزبور به چندین نفر ارائه شد و تمامی افراد با توجه به نقشه، "بم" را از مناطق متوسط و یا کم خطر تلقی نمودند!! جالب آنکه نظر مؤلفان کتاب درسی آمادگی دفاعی نیز همین بود.

نگردیده بود، ما هیچ اسم و آدرسی هم از نیروها در دست نداشتیم" پس از وقوع زلزله با زیر آوار ماندن مدارک شناسایی معلمان، ورود مردم روستاهای مجاور بم به این شهر، باعث تشدید گرسنگی و نبود امکانات در سطح شهر گردید و ستاد بحران آموزش و پرورش در تفکیک معلمان از اقشار غیر وابسته به آموزش و پرورش، شدیداً با مشکل مواجه شده است. در نتیجه در میان معلمان زلزله زده اسکان یافته در بم، همواره تعدادی فرصت طلب که خود را معلم معرفی نموده بودند، وجود داشته و این مهم از توزیع عادلانه‌ی امکانات در میان فرهنگیان جلوگیری می‌نموده است. در این زمینه یکی از نیروهای حراست آموزش و پرورش بم، بیان می‌نماید:

"در زمان زلزله به علت آخر هفته بودن، در حدود پنج هزار معلم در بم حضور داشتند، اینها در شهرهای مجاور بم تدریس می‌کردند، اما در هنگام حادثه در شهر بم و در منزل خود مستقر بودند، این پنج هزار نفر که به چهره برای همه‌ی ما آشنا نبودند. ما تلاش کردیم مدارک را از اداره‌ی آموزش و پرورش بم که تا حدودی سالم مانده بود بیرون بکشیم، اما این به تنهایی کافی نبود. در هنگام توزیع کالاها، زمانی که از افراد مدرک شناسایی می‌خواستیم، منجر به درگیری و فحاشی می‌شد که همه کس ما مرده است، شما از ما کارت شناسایی می‌خواهید، زیر آوار است، بروید و در بیاورید. در نتیجه تشخیص اینکه چه کسی معلم است یا نیست، واقعاً کار دشواری بود."

اگرچه تمامی این معضلات را نمی‌توان به طور مستقیم به آموزش و پرورش مربوط دانست، اما فقدان امکان شناسایی معلمان و دست اندرکاران آموزش و پرورش، موضوعی است که به فرایند مدیریت بحران در آموزش و پرورش مربوط می‌شود. در این شرایط است که ستاد بحران آموزش و پرورش پس از درک این مشکلات، سیزده روز پس از حادثه، اقدام به صدور کارت شناسایی برای معلمان می‌نماید. چنانچه در کتاب بغض زمین [صفحه ۱۴۴] و به نقل از یک مدیر آموزش و پرورش آمده است:

"سیزده روز بعد از حادثه ۲۶ دسامبر ۲۰۰۳، (آموزش و پرورش بم) اقدام به شناسایی همکاران فرهنگی نموده و برای آنان کارت شناسایی جدید صادر نمودیم چرا که مدارک همکاران در زیر آوار مدفون گردیده بود"

عملیات امدادرسانی ستاد آموزش و پرورش بم و از طریق جستجو به کمک لودر آغاز می‌گردد که این امر گویای عدم آگاهی مدیران آموزشی بم نسبت به مسائل امدادی و دلالتی بر عدم آموزش مدیران در برهه قبل از بحران تلقی می‌شود.

یک مدیر آموزشی با ۱۸ سال سابقه فعالیت آموزشی و دارای تحصیلات در زمینه روانشناسی، عنوان می‌دارد:

"اگرچه من ۶۰ ساعت دوره‌ی آمادگی برای بحران را گذرانده بودم، اما این اندک اطلاعات خیلی به دردم نمی‌خورد. فقط به عنوان کسی که در بحث روانشناسی تحصیل کرده بودم، وظیفه‌ی خودم می‌دانستم که اقدامی را انجام دهم. پس روز اول حادثه از طریق یک تلفن ماهواره‌ای با یونیسف^۱ ارتباط برقرار کردم و در روز سوم حادثه «طرح مداخله روانی در بحران» را به یونیسف برای تأمین اعتبار ارائه دادم. اگرچه قبل از ارائه این طرح به یونیسف با وزارت آموزش و پرورش نیز در این خصوص طرح موضوع کرده بودم اما کار خاصی نتوانستم پیش ببرم. یونیسف پس از بررسی طرح آن را پذیرفت ولی من منوط به این، اجرای طرح را برعهده گرفتم که محتوا را هم خودمان تعیین کنیم. در زمان زلزله فقط من نبودم که طرح می‌دادم، هرکس که هر پیشنهادی می‌داد، استقبال می‌کردند. مشکل بم، همین بحران مدیریت بود که پیامدهای آن انجام برخی فعالیت‌های مغایر با ارزش‌های دینی و فرهنگی حاکم بر جامعه و خانواده‌های ایرانی بود و همین موضوع زمینه ساز مشکلات جدی دیگری شده بود."

یکی از مدیران عالی آموزش و پرورش استان بم که بیش از ۲۰ سال سابقه‌ی کار در آموزش و پرورش را دارا بوده و خود یکی از مدیران ستاد بحران بم، بعد از زلزله سال ۲۰۰۳ بوده است، بیان می‌دارد: "آنچه در بم اتفاق افتاد، این بود که ما به یک کمیته پشتیبان احتیاج داشتیم، اولین چیزی که در بم، من به وجود آن احساس نیاز می‌کردم، وجود یک پایگاه اطلاعاتی دقیق بود، ما هیچ بانک اطلاعاتی از نیروها نداشتیم، اشراف دقیقی بر منطقه، امکانات آن، پایگاه‌های مردم‌شناسی و NGOها و... نداشتیم و این موضوع کار را دشوار می‌کرد، اگر نبود پرونده‌های بایگانی شده در حراست آموزش و پرورش بم که از قضا در حین حادثه کامل تخریب

نمی‌کردند، برخی از آنها بسیار ضعیف بودند، به گونه‌ای که حتی یک آئین نامه را نمی‌دانستند، چه رسد به جذب معلم و دانش‌آموز" مدیر دیگر مدرسه‌ای در این زمینه بیان نمود:

«همه جا دعوا بود، درگیری سر چادرها، تقسیم نیروی درستی وجود نداشت، جایابی نیروها غلط بود، آن قدر بلبشو بود که مردگان را در قنات‌ها می‌شستند و ما آب آشامیدنی نداشتیم، برخی افراد سود جو به بم هجوم آورده بودند، آموزش و پرورش نمی‌توانست در این شرایط کار خاصی پیش ببرد»

از دیگر مسائلی که به عنوان دلیلی برای تصمیم‌گیریهای شتابزده مدیران آموزش و پرورش قابل تلقی است، عدم توجه آنها به شأن و منزلت انسانی معلمین و دانش‌آموزان بوده است که با بی‌تجربه بودن مدیران بحران در این زمینه منجر به انجام اقداماتی نامناسب در مدارس شده است. معلم یک دبیرستان دخترانه با بیش از شانزده سال سابقه کاری، مذهبی و مقید به مقررات مدرسه که در زمان زلزله معاون یکی از مجتمع‌های تأسیس شده بوده است، عنوان می‌دارد:

" در زمان زلزله، مدیریت کردن خیلی سخت بود، سخت تر از آن رفتارهای ناشایستی بود که رخ می‌داد، مثلاً به دختران دبیرستانی می‌خواستند مانتو هدیه کنند، دائماً از آنها عکس برداری می‌کردند، طوری که تعداد زیادی از بچه‌ها معترض شده و بیان می‌کردند مگر ما گدا هستیم که در حین دادن مانتو از ما عکس برداری می‌کنند. واقعاً آموزش و پرورش، دانش‌آموزان را بعد از زلزله به سمت و سوی گدا کردن سوق می‌داد"

بسیاری از مدیران اذعان می‌داشتند که ارائه کمک‌های نقدی و غیر نقدی چه از طریق آموزش و پرورش و چه از طریق سایر نهادها، با رعایت حرمت و منزلت فرهنگیان همراه نبوده است. ارائه کالاهایی نامناسب، لباس‌های کهنه و پتوهای نامرغوب را می‌توان از اهم این موارد برشمرد. تقریباً تمامی مدیران زن مدارس متوسطه و نیمی از مدیران مدارس پسرانه، از ارائه هدایای نقدی و غیرنقدی به کودکان همراه با تهیه فیلم، عکس و یا خبر، اعلام نارضایتی نمودند و یکی از عمده دلایل چالش معلمین با دانش‌آموزان مدرسه را، مبادرت سازمان آموزش و پرورش به تکرار چنین اقداماتی اعلام می‌داشتند.

با این وصف به نظر می‌آید که برای تهیه اطلاعات آماری و شناسایی نیازهای اضطراری معلمان و دانش‌آموزان، این ستاد فاقد راهکاری خاص بوده است. سعیدی رضوانی (۲۰۰۳) در پیمایشی با عنوان «تجربه واقعی از زلزله بم» به این نکته اشاره می‌نماید که: "آموزش و پرورش در بم به جز بازگشایی مدارس، هیچ دستوالعمل خاصی برای آمارگیری، مراجعه به دانش‌آموزان و حمایت روانی از آنها پس از زلزله نداشته است"

همسویی منابع مکتوب اشاره دارند که ستاد بحران آموزش و پرورش بم در روز اول حادثه، به تشکیل ستاد بحران در آموزش و پرورش استان (منطقه) مبادرت نموده و در روز دوم حادثه، این ستاد اقدام به تعطیل نمودن مدارس سراسر استان کرمان نمود و طی بیانیه‌ای نه هزار نفر نیروی فرهنگی شاغل در استان کرمان به منظور کمک در فرایند امدادسانی، فراخوان میشود. در روز دوم حادثه، هزار نفر اعلام آمادگی نموده و سپس برای این افراد تجهیزات امدادی خریداری شده و پس از آن به بم اعزام می‌شوند. از دیگر برنامه‌های این ستاد، تعطیل نمودن کلیه مراکز شبانه‌روزی تربیت معلم و کانون‌های فرهنگی (با عنوان رشد و اندیشه) برای اسکان موقت فرهنگیان بود. اگرچه این تصمیمات به نوبه خود تصمیماتی ارزشمند قلمداد میشوند، اما همواره با ضعف‌هایی در اجرا مواجه بوده‌اند. در مصاحبه‌های صورت گرفته تعداد زیادی از مدیران، معلمان و دانش‌آموزان از ضعف نیروهای آموزش و پرورش بعد از زلزله به دلایل مختلف اظهار نارضایتی نموده‌اند. تقریباً پنجاه درصد مصاحبه شونده‌ها به این نکته اذعان داشته‌اند که معلمان و کارکنان سازمان‌های آموزشی به علت اجرای نادرست برنامه‌های مداخله روانی در بحران و دچار بهت‌زدگی شده و ضعف در تصمیم‌سازی و تعاملات انسانی در آنان مشهود بوده است. مدیر مدرسه‌ای که در زمان زلزله جزو اولین مدیران مجتمع‌های آموزش پسرانه بوده است، در حالیکه در حین مصاحبه دائماً گریه می‌کرد، بیان نمود:

" من بعد از زلزله هر روز به اداره آموزش و پرورش بم سر می‌زدم تا ببینم چه کار باید بکنیم، اما مدیریت بحران نبود که بحران مدیریت بود، ما بدون برنامه‌ریزی عمل می‌کردیم، تلاشمان این بود که از سردرگمی نجات پیدا کنیم، در چندماه اول، بسیاری از مدیران زیربار (مسئولیت) مدیریت نمی‌رفتند، احساس مسئولیت

بحران‌های بعدی در مدارس، دوره‌های آموزشی متعددی را در مراکز مختلف و برای معلمان برگزار نمود. این کلاس‌ها در روزهای نخستین حادثه - با گذشت دو یا سه روز از حادثه - تشکیل شده و بازتوانی روانی معلمان جهت حضور در کلاس؛ مهم‌ترین هدف این دوره‌ها بود.

در بم، دوره‌های پیش‌بینی شده برای دانش‌آموزان و با هدف مداخله روانی در بحران نیز که شامل کلاس‌های نقاشی، خاطره‌نویسی، مجسمه‌سازی و برگزاری اردوهای زیارتی و آموزشی بوده، از ده روز بعد از حادثه آغاز گردید. این تصمیمات که به نوبه‌ی خود بسیار مهم و کلیدی محسوب می‌شوند؛ با مشکلاتی مواجه بودند که نتوانستند تمامی مخاطبین نیازمند به این نوع برنامه‌ها را تحت پوشش قرار دهند.

اگرچه ستاد بحران آموزش و پرورش بم، در راستای رفع مایحتاج اولیه زندگی معلمان نیز اقدامات متعددی را آغاز می‌نماید، اما این اقدامات در مراحل اولیه بحران با کاستی‌های بسیاری روبرو بوده؛ چنان که معلمین تا دو ماه بعد از حادثه از امکان برخورداری از کانکس محروم بوده‌اند. در این خصوص، سه نفر از مدیران عالی آموزش و پرورش بم و یکی از مدیران عالی آموزش و پرورش استان کرمان به این موضوع اشاره نموده‌اند. یکی از مدیران عالی آموزش و پرورش استان کرمان بیان می‌دارد:

"آموزش و پرورش با کثرت جمعیت مواجه بود، در نتیجه سازمان‌های دیگر زودتر توانستند افراد را سازماندهی کنند، مشکل ما این بود که تهیه مسکن موقت در اختیار ستاد بحران استانداری بود و ما به سختی توانستیم بعد از دوماه و نیم از حادثه، مجوز تهیه این کانکس‌ها را به دست آوریم"

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه که گذشت، چنین استنباط می‌شود که عملکرد مدیران آموزش و پرورش در مواجهه با شرایط بحران سال ۲۰۰۳ کاملاً مطلوب و منطبق با انتظار از یک سازمان فرهنگی نبوده است. در حالی که یونسکو (۲۰۰۶) آموزش و پرورش را برای مقابله با بحران دارای مسئولیتهای متعدد معرفی نموده و تصریح می‌نماید که در این سازمان است که میتوان بهترین ستادهای بحران را ایجاد نمود، و در

ج) اقدامات پس از بحران (تا یکسال بعد از زلزله): با این که مدیران آموزشی بم برای کاهش آلام و جبران خسارات بحران تلاش بسیاری را در بازه یکساله پس از بحران انجام دادند، چنانچه این تلاشها برنامه‌ریزی شده و مبتنی بر اصول علمی و تجارب مدون پیشین بود، از اثربخشی بیشتری برخوردار می‌گردید. این ادعا همسوی با پژوهشگران شبکه فراگیر آموزش و پرورش در شرایط اضطرار (۲۰۱۲) است که مسئولین آموزشی را در روند بهبود بعد از بحران بسیار موثر می‌دانسته و آنها را در کنار دانش‌آموزان، از اولیتهای مهم برای کسب خدمات بازتوانی‌های بعد از بحران می‌دانند. بر اساس برنامه زمانی مداخله روانی در بحران، این روند باید از سه ماه بعد از حادثه شروع تا شش ماه بعد از آن مرحله ترمیم و بازگشت به روند زندگی خاتمه یابد و طی این پروسه می‌بایست برنامه‌های روانشناختی در محیط‌های بحران زده به شکلی منسجم به اجرا درآید. این در حالی است که یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها و بررسی اسناد مکتوب نشان داد که آموزش و پرورش بم در شش ماهه نخست به صورت محدودی به اقدامات روانشناسی و ترمیمی مبادرت نموده و تقریباً پس از هشت ماه از گذشت زلزله و با تغییر یکی از جایگاههای مدیریتی، به این موضوع به طور جدی تر و فراگیرتری پرداخته شده است. یکی از مشاوران آموزش و پرورش بم که در زمان بحران نیز به عنوان یکی از مدرسین بازتوانی روانی فعالیت می‌نموده، عنوان می‌دارد:

"ما از ۲۰ روز بعد از حادثه توانستیم کلاس‌های مداخله روانی در بحران را با کمک مشاوران بومی اجرا کنیم این در حالی بود که پنج روز از بازگشایی مدارس می‌گذشت. این دوره‌ها ۲۰ نفر را تحت پوشش قرار می‌داد، حال آنکه در آن زمان پنج هزار معلم در بم حضور داشت که تعداد چهار هزا نفرزنده مانده بودند و ما نمی‌توانستیم همه ی این‌ها را تحت پوشش قرار دهیم. تقریباً تا اول مهر، ما خیلی نتوانستیم کاری انجام بدهیم"

این در حالی است که مطالعات مربوط به زلزله ۸ اکتبر ۲۰۰۵ پاکستان نشان می‌دهد که از سومین روز حادثه بحث مداخله روانی در بحران برای معلمین پاکستانی آغاز می‌شود. در کتابی که یونسکو (۲۰۰۶) منتشر نموده است، آمده است که:

" بعد از زلزله ی پاکستان، یونیسیف در راستای کنترل



رهایی از سوگ و ورود موثر به کلاس و شناساندن موقعیت تازه به معلمین که با توجه به تفاوت میزان آسیب‌های دانش آموزان در کلاس، شیوه آموزش و ارتباط گیری با دانش آموز را برنامه ریزی نماید.

منابع

سعیدی‌رضوانی، محمود (۱۳۸۲). زلزله و برنامه‌ریزی آموزشی: تجربه‌های واقعه سال ۱۳۸۲ بم. خلاصه‌ی گزارش پژوهشی [منتشر نشده]. مشهد: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی.

عشقی، ساسان (۱۳۸۲). مدیریت آوار برداری ساختمانی. تهران: موسسه علمی کاربردی هلال ایران. بازیابی از: <https://www.civilica.com/Paper-GEODM>

غفوری آشتیانی، محسن (۱۳۷۷). ویژه‌نامه زلزله: گفت و گو با یک زلزله شناس. مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی. سال ششم. شماره مسلسل: ۱۸. تهران: وزارت آموزش و پرورش. صص ۲۷-۲۹.

کریمی افشار، عشرت (۱۳۸۴). بغض زمین. چاپ اول. کرمان: موسسه فرهنگی و هنری آفتاب کرمان، وابسته به سازمان آموزش و پرورش کرمان. محمدی، بیوک (۱۳۸۷). درآمدی بر روش تحقیق کیفی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مهرام، بهروز (۱۳۸۲). بررسی وضعیت عاطفی-روانی و نیازهای روان‌شناختی مردم بم. گزارش مأموریت بازدید از بم [منتشر نشده]. مشهد: دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد.

ناطق‌اللهی، فریبرز (۱۳۷۹). مدیریت بحران زمین لرزه ابر شهرها با رویکرد برنامه مدیریت بحران زمین لرزه شهر تهران. تهران: پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله.

نور بالا، احمد علی. عنبری، موسی. محمد، کاظم (۱۳۸۵). ارزیابی مدیریت عملیات نجات در حادثه بم. پایش: (۱) ۶. صص ۳۷-۴۴. بازیابی شده در ۱۸ خرداد ۱۳۹۸ بازیابی از: <http://www.magiran.com/viewpdf.asp?no=1>

هروی، جواد (۱۳۸۶). روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ: راهنمای نگارش تحقیقات در علوم انسانی و تاریخ. تهران: امیر کبیر.

Education, D. (2007). Building Research Institute (BRI) & National Graduate Institute for Policy Studies (GRIPS). Tokyo, Japan. Retrieved from: <https://www.preventionweb.net/organizations/1614>

Elliott, G., & Charlebois, S. (2007). How Mosaic-Esterhazy applied a crisis communication strategy when it suddenly had the world's attention. *Public Relations Review*, 33(3), 319-325. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0363811107000677>

Forthergill, A. (2017) Children, Youth, and Disaster. In *Natural Hazard Science, Oxford Research Encyclopedias*. Retrieved 5Jan. 2018. Retrieved from: <http://naturalhazardscience.oxfordre.com/view/10.1093/acrefore/9780199389407.001.0001/acrefore-9780199389407-e-23?rkey=cxmURI&result=5>

شرایطی که سازمان آموزش و پرورش به خاطر ویژگی‌هایی همچون گستردگی، نفوذ در خانواده‌ها، برخورداری از قشر تحصیل کرده، قابلیت اعتماد پذیری و اتکاء دیگر اقشار به آنها، باید که علاوه بر مدیریت بحران خود و سازمانهای اقماری وابسته (مدارس)، به یاری دیگر اقشار جامعه نیز شتافته و نقشی پیشگام را ایفا نماید، شواهد تاریخی نشان دهنده آن است که مدیران این سازمان در زلزله بم از عملکردی کاملاً قابل قبول برخوردار نبوده‌اند. بر این اساس است که همسوی با توصیه سوبل و لیسون (۲۰۰۷) که بازخورد اثربخشی اقدامات انجام شده در یک حادثه را به عنوان اطلاعاتی مورد نیاز برای مدیریت بازتوانی در حوادث قلمداد می نمایند، پیشنهاد می شود تا مسئولین و برنامه ریزان کلان آموزش و پرورش به بازنگری در برنامه مدیریت بحران این سازمان پرداخته و با ساختار دهی و تعیین سلسله مراتب خاص شرایط بحران، شرایط مدیریتی مناسب تری را برای بحران های آینده ترسیم نمایند.

پیشنهادات

۱. ایجاد یک گرایش دانشگاهی در مراکز تربیت معلم با عنوان مدیریت بحران در سیستم‌های آموزشی.
۲. آموزش کلیه مدیران در سطوح مختلف آموزشی در زمینه مدیریت بحران.
۳. بهره گیری از تجارب بین المللی به ویژه یونسکو و یونیسف در راستای تسریع در برنامه‌های مدیریت بحران و برنامه‌های بازتوانی روانی بعد از بحران.
۴. پیش بینی و تدارک مدارک شناسایی از پیش تدوین شده ای جهت ثبت نام معلمین و دانش آموزان در همان ساعات نخستین بحران.
۵. هم سویی، وحدت و یک پارچگی ستادهای آموزش و پرورش با سازمان‌های امداد و نجات کشور، ارتش و هلال احمر جهت جلوگیری از مداخله غیر اصولی در فرآیند بحران به ویژه در مرحله ی حین بحران.
۶. تدوین یک برنامه روانشناختی جهت مداخله روانی در بحران با توجه به فرهنگ، ارزش‌ها و اصول حاکم بر هر جامعه.
۷. توجه ویژه به معلمین بعد از بحران و در راستای تسریع در زمان



- jais/vol15/iss9/3/
- Prisilla, D; Brails, F (2016). Psychological Strategies and Challenges in Disaster Recovery; Natural Hazard Science: Oxford Research Encyclopedias. p:1. Retrieved from: <https://oxfordre.com/naturalhazardscience/view/10.1093/acrefore/9780199389407.001.0001/acrefore-9780199389407-e-35>
- Sobel, R. S., & Leeson, P. T. (2007). The use of knowledge in natural-disaster relief management. *The Independent Review*, 11(4), 519-532. Retrieved from: http://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:9rUjatIQNwwJ:www.peterleeson.com/Use_of_Knowledge.pdf+&cd=3&hl=en&ct=clnk&gl=ir&client=firefox-b-ab
- Spellings, M. (2003). Practical Information on Crisis planning: A Guide for Schools and Communities. Washington: US Department of Education, Office of Safe and Drug-Free. Retrieved from: <https://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:5d6MBf1XJDAJ:https://rems.ed.gov/docs/practicalinformationoncrisisplanning.pdf+&cd=3&hl=en&ct=clnk&gl=ir&client=firefox-b-ab>
- Thayaparan, M; Siriwardena, M; Ishara, C; Dilanthi, M; Irene, A; Arturas Kaklauskas, L (2015). Enhancing post-disaster reconstruction capacity through lifelong learning in higher education, *Disaster Prevention and Management*, 24(3). 338-354. Retrieved from: www.emeraldgroupublishing.com/licensing/reprints.htm
- UNESCO. (2006). Educational Planning and Management in Earthquake Affected Areas. UNESCO. p: 4. Retrieved from: <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000219412>
- UNICEF (2010). Disaster risk reduction in education in emergencies. Retrieved from: http://webcache.googleusercontent.com/search?q=cache:x8TRoUKim3sJ:www.unicef.in/emergencies.com/downloads/eresource/docs/DRR/DRR_ONE_PAGER_EDUCATION.pdf+&cd=5&hl=en&ct=clnk&gl=ir&client=firefox-b-ab
- NEE (2012). INEE minimum standards for education: preparedness, response, recovery. INEE: Inter-agency Network for Education in Emergencies. New York: INEE. Retrieved from: <https://reliefweb.int/report/world/inee-minimum-standards-education-preparedness-response-recovery-enaesfr>.
- Marwitz, S., Maxson, N., Koch, B., Aukerman, T., Cassidy, J., & Belonger, D. (2008). Corporate crisis management: Managing a major crisis in a chemical facility. *Journal of hazardous materials*, 159(1), 92-104. Retrieved from: https://www.researchgate.net/publication/5794553_Corporate_crisis_management_Managing_a_major_crisis_in_a_chemical_facility
- Nakanishi, H., & Black, J. (2016). Residential relocation, school relocation and children's transport: The effect of the Great East Japan Earthquake and Tsunami 2011. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 18, 232-243. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2212420916300930>
- Nekoei-Moghadam, M; Amiresmaili, M; Aradoei, Z (2016) Investigation of obstacles against effective crisis management in earthquake, *Journal of Acute Disease*, 5(2):91-94. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2221618916000020>.
- Paton, P. (2016). Readiness to Natural Hazard. In *Natural Hazard Science: Oxford Research Encyclopedias*; retrieved 7 Jan. 2017 from: <http://naturalhazardscience.oxfordre.com/search?siteToSearch=orenh&q=Risk>
- Ponis, S. T., & Ntalla, A. (2016). Crisis management practices and approaches: Insights from major supply chain crises. *Procedia Economics and Finance*, 39, 668-673. Retrieved from: <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S2212567116302878>
- Porra, J., & Hirschheim, R., & Parks, M. (2014) The Historical Research Method and Information Systems Research, *Journal of the Association for Information Systems (JAIS)*. Volume 15 Issue 9 P: 537-541. Retrieved from: <https://aisel.aisnet.org/>